

PAPER DETAILS

TITLE: ????? ?????? ????? ?????? ?? ?????? ?????? ?????? ?????? ?? ??????

AUTHORS: Yusuf ÖZ

PAGES: 1-14

ORIGINAL PDF URL: <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/496119>

به دنبال فتوحات سلاطین سلجوقی در آسیای صغیر و تشکیل دولت سلاجقه روم زبان فارسی به این سرزمین انتقال یافت و توسط شاعران و ادیبان مهاجر به عنوان زبان ادبی به حیات خود ادامه داد. تهیه فرهنگ‌نامه‌های عربی و فارسی بین قرن‌های دوازدهم و چهاردهم میلادی، نشانگر این است که زبان آموزشی در بعضی از مدارس آن روزگار، فارسی بوده است. هرچند این زبان به تدریج رو به فراموشی می‌رفت، ولی در محیط دربار سلجوقی و بین خواص و شاعران و ادیبان رایج‌تر می‌شد. در اواخر قرن چهاردهم میلادی نیاز به آموزش زبان فارسی حاصل شد و کسانی که با امر آموزش و تدریس در ارتباط بودند و بر این زبان تسلط داشتند به فکر تدوین لغت‌نامه و قواعد و دستور زبان فارسی افتادند. در اوایل قرن پانزدهم میلادی، روند تألیف فرهنگ‌نامه‌های دو زبانه، فارسی و ترکی، آغاز شد. فرهنگ‌نویسان ترک‌تبار در لغت‌نامه‌های خود حتماً بابتی یا فصلی به دستور زبان فارسی اختصاص دادند و دست‌نویسان رساله‌هایی مستقل شامل قواعد صرف و نحو فارسی نوشتند یا قواعد دستور زبان فارسی را به نظم کشیدند. علاوه بر فرهنگ‌نامه‌ها و دستورها، کتاب‌هایی به صورت راهنمای مکالمه فارسی هم تهیه شده است. یک نمونه از این کتاب‌ها تحفة العشاق است.

1

در این مقاله کوشش بر آن است که با اشاره به پیشینه آموزش زبان فارسی در اناتولی، رساله مکالمه زبان فارسی به نام تحفة العشاق که احتمال می‌رود نخستین کتابی باشد که به منظور آموزش گفتار زبان فارسی در اوایل قرن شانزدهم میلادی تألیف شده باشد، از لحاظ ترتیب و محتوی معرفی گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی، تحفة العشاق، فرهنگ‌های فارسی به ترکی،

مفتاح زبان فارسی

* Prof. Dr., Kırıkkale Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi, Doğu Dilleri ve Edebiyatları Bölümü, Mütercim-Tercümanlık (Farsça) Anabilim Dalı, e-posta: yusufoz01@yahoo.com

Makale Gönderim Tarihi: 04.05.2018

Makale Kabul Tarihi : 18.05.2018

NÜSHA, 2018; (46):1-14

Türklere Farsça Öğretimi Amacıyla Hazırlanmış Bir Eser: Tuhfetü'l-Uşşâk

Öz

Selçuklu sultanlarının Anadolu'ya düzenlediği fetihlerin ve Anadolu Selçuklu Devleti'nin kurulmasının ardından Farsça da bu topraklara taşınmış; göç eden şairler ve edipler aracılığıyla edebî dil olarak varlığını sürdürmüş, diğer taraftan eğitim dili olarak da kullanılmıştır. Miladi on ikinci ve on üçüncü yüzyıllarda Arapça-Farsça sözlüklerin hazırlanması, o dönemin bazı medreselerinde eğitim dilinin Farsça olduğunu göstermektedir. Farsça zamanla unutulmaya yüz tutsa da edip ve şairler arasında yaygınlık kazanmıştır. On dördüncü yüzyılın sonlarında Farsça öğretimi ve öğrenimi bir ihtiyaç haline gelmiştir. Eğitim ve öğretimle meşgul olanlar ve Farsçaya vâkıf olanlar, Türkçe açıklamalı sözlük hazırlamayı ve gramer kitabı yazmayı gerekli görmüşlerdir. Böylece on beşinci yüzyılın başlarından itibaren Farsça-Türkçe sözlük yazımı başlamıştır. Türk asıllı sözlük yazarları sözlüklerinde mutlaka gramer konularına da yer vermişler; Farsçaya vâkıf olanlar gramer kaidelerini içeren bağımsız risaleler yazmışlar, nazım kabiliyeti olanlar da bu kuralları manzum olarak işlemişlerdir. Sözlük ve gramer kitaplarından ayrı olarak Farsça konuşma kılavuzları da hazırlanmıştır. Bu tarz kitaplardan biri de Tuhfetü'l-Uşşâk'tır. Bu makalede, Anadolu'da Farsça öğretiminin tarihî seyrine değinilecek; on beşinci yüzyılda Farsça öğretimi amacıyla bir konuşma kılavuzu tarzında hazırlanmış ilk eser olduğunu düşündüğümüz Tuhfetü'l-Uşşâk tanıtılacaktır.

Anahtar Kelimeler: Farsça öğretimi, Farsça Türkçe sözlükler, Tuhfetü'l-Uşşâk, Miftâh-i Zebân-i Fârisî

A Work That Prepared for The Purpose of Teaching Persian to Turks: Tuhfetü'l-Uşşâk

Abstract

After the conquest of the Seljuk sultans to Anatolia and the establishment of the Anatolian Seljuk State, the Persian language was moved to this land; also through migrations of poets and scholars, on the other side it continued its existence as a literary language and was used as an educational language. The preparation of Arabic-Persian dictionaries in the twelfth and thirteenth centuries indicates that at that time in the some of madrasah the language of education was Persian. Although the Persian language started to be forgotten, it has gained widespread popularity among poets and scholars. In the late of fourteenth century teaching and learning Persian become a necessity. Those who are engaged in teaching and learning, those who have knowledge of Persian; have found it necessary to write a dictionary explain in Turkish and a grammar book. Thus, from the beginning of the fifteenth century, it has been started to be written Persian-Turkish dictionaries. The Turkish-language dictionary authors have also mentioned grammar topics in their dictionaries;

those who have knowlegde of Persian, have written independent treatises which include grammatical bases, and those who have verse ability processed these rules as verse. Persian speech guides was also prepared separately from the dictionary and grammar books. One of these books is Tuhfetu'l-'Uşşâk. In this article, the historical perspective of teaching Persian language in Anatolia will be mantioned; Tuhfetu'l-'Uşşâk which is thought to be the first work in the form of a conversation guide for teaching Persian in fifteenth century will be introduced.

Keywords: Persian teaching, Persian-Turkish dictionaries, Tuhfetu'l-'Uşşâk, Miftâh-i Zebân-i Fârisî

مقدمه

پیشینه تألیف فرهنگ‌نامه و دستورنویسی دو زبانه فارسی و ترکی در آناتولی اعم از متثور و منظوم، به اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم میلادی بر می‌گردد. قبل از تألیف فرهنگ‌نامه‌های فارسی-ترکی، بین سده‌های دوازدهم و چهاردهم میلادی، این نیاز، در فرهنگ‌های دو زبانه منظوم و متثور عربی و فارسی مانند *قانون الادب* شرف‌الدین ابو الفضل خبیش بن ابراهیم التفلیسی (تألیف ۵۴۵ ق./۱۱۵۰)، *زهره الادب* شکرالله (تألیف ۶۴۰ ق./۱۲۴۲)، *نصیب القتیان و نسیب التبیان* حسام‌الدین حسن بن عبدالرحمن الخویی (تألیف بین ۱۲۸۰-۱۲۹۰)، *سلک الجواهر* عبدالحمید بن عبدالرحمن الانگوری (تألیف ۷۵۷ ق./۱۳۵۶)، به صورت نوشته شدن معادل ترکی برای فارسی زیر سطر جبران شده است. از اواخر عصر چهاردهم میلادی به بعد، دوره‌ای جدید آغاز می‌شود. از اوایل قرن پانزدهم میلادی آموزش زبان فارسی در آناتولی به صورت احتیاج و تهیه و تدوین لغت‌نامه و کتاب‌های دستوری به صورت ضرورت در آمده است. نظر به این نیاز و ضرورت در این دوره، فرهنگ‌نامه‌هایی شامل قواعد زبان فارسی یا رساله‌هایی جداگانه متعلق به دستور زبان فارسی نوشته و در این فرهنگ‌ها معانی واژه‌های فارسی با معادل ترکی‌شان و قوانین زبان فارسی به زبان ترکی توضیح داده شده است.

فرهنگ‌نامه و دستورنامه نویسی در آناتولی به آغاز عصر پانزدهم میلادی بر می‌گردد. جالب و مهم است که *تحفه حسامی*، نخستین فرهنگ‌نامه منظوم (تألیف ۸۰۲ ق./۱۳۹۹-

۱۴۰۰ م.) و *مفتاح الادب*، اولین فرهنگ‌نامه منشور (تألیف ۸۰۳ ق. ۱۴۰۰-۱۴۰۱ م.)، در همان سال‌ها تألیف یافتند. شایان ذکر است که نخستین دستور منظوم زبان فارسی قبل از *تحفه حسامی*، یعنی پیش از سال ۸۰۲ ق. (۱۳۹۹-۱۴۰۰ م.) به قلم همان مؤلف حسام بن حسن قونوی، مؤلف *تحفه حسامی*، نوشته شده است. در مقدمه منشور *تحفه* با اشاره به این که قبل از *تحفه* یک کتابی در باره دستور زبان فارسی به نام *هدیه الاخوان* نوشته شده است چنین آورده است: «...چون از نظم کتاب *هدیه الاخوان* فراغت میسر گشت داعیه باطن بر آن شد که نوعی دیگر در لغت نسخه بزبان فارسی سازد مترجم بترکی و (...) و نام *تحفه حسامی* از ملتقات سامی نهاده ...»^۱. زبان‌شناسان و زبان‌دانان عثمانی، دستور و فرهنگ‌نامه نویسی را از ابتدا تا به اواسط قرن نوزدهم جدا از هم ندانسته‌اند. به همین دلیل در فرهنگ‌هایی از فارسی به ترکی بخشی، فصلی یا دفتری مختص به دستور زبان فارسی وجود داشته است. با افتتاح مدرسه‌های رشدیه و دارالفنون در قرن نوزدهم، نگرش به آموزش زبان خارجی تغییر یافت و فرهنگ‌نویسان و دستورنویسان از هم دوری گزیدند و راه خود را از هم جدا کردند. توجه به فرهنگ‌نویسی کاسته شد و به دستورنویسی افزوده گشت.

4

در سی و دو جلد از فرهنگ‌نامه‌های منشوری که امروز به صورت نسخه خطی در دسترس هستند و در چهار جلد از هجده عنوان فرهنگ‌نامه مطبوع به حروف عربی، باب یا فصلی حاوی مطالبی مختص به دستور زبان فارسی وجود دارد. در بسیاری از فرهنگ‌نامه‌های تألیف شده در عصر پانزدهم و شانزدهم میلادی و در برخی از فرهنگ‌نامه‌های متعلق به قرن هفدهم و هجدهم میلادی مطالب دستوری جا گرفته است. قواعد زبان فارسی که در برخی از فرهنگ‌نامه‌ها فقط به صورت نمونه و شواهد، در بعضی‌ها به اختصار و در بعضی‌ها به صورت دقیق جا می‌گیرند، همگی به زبان ترکی، در برخی‌ها به فارسی و در بعضی‌ها نیز به زبان عربی و ترکی توضیح داده شده است.

در سی و یک اثر از هفتاد و چهار فرهنگ خطی و در چهار فرهنگ‌نامه از هجده فرهنگ‌نامه مطبوع به حروف عربی، فصلی حاوی قواعد زبان فارسی جا گرفته است. بسیاری از فرهنگ‌نامه‌های نوشته در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی و چندی از فرهنگ‌های نوشته در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، شامل قسمتی یا فصلی راجع به دستور زبان فارسی

هستند. موارد دستوری که در برخی از فرهنگ‌ها فقط به صورت الگویی، در بعضی‌ها اختصاراً و در بعضی‌ها نیز به تفصیل جا می‌گیرند، معمولاً به زبان ترکی، در فرهنگ‌هایی مانند *مفتاح‌الادب*، *نثارالملک*، *صباح‌العجم*، *مشکلات شهنامه*، *شامل‌اللغه* و *ترجمان* به زبان فارسی، در بعضی‌ها هم به زبان عربی و هم ترکی توضیح داده شده‌اند.^۲

به منظور تسهیل و تسریع آموزش زبان فارسی مطابق با قوانین عروضی به ترکی زبانان خردسال که از آن‌ها به مبتدی یا صبیان تعبیر می‌شد بیشتر مورد توجه فرهنگ و دستورنویسان قرار گرفته است. حتی برخی از فرهنگ‌نویسان و زبان‌دانان، به میل و رغبت تحصیل‌کنندگان صراحتاً اشاره نموده‌اند. از این عبارات مؤلفان چنین برداشت می‌شود که کودکانی که در سنین تحصیل بودند رغبت و علاقه زیادی به محاوره زبان فارسی داشته‌اند تا به یادگیری آن. مطهر بن ابی طالب لادقی در *مقدمه مفتاح‌الادب*، نخستین فرهنگ‌نامه مثنوی فارسی ترکی تألیف شده در سال ۸۰۳ ق. / ۱۴۰۰-۱۴۰۱ م.، به علاقه و رغبت محصلین و لزوم فرهنگ‌نویسی و دستورنویسی به زبان ترکی چنین اشاره کرده است: «... صبیان پیش از تعلم لغت بگفتن زبان پارسی رغبت می نمودند و جمله ادبا که کتاب‌های لغت از نثر و نظم انشا و املا کرده‌اند همه بر زبان پارسی شرح کرده‌اند. لاجرم اوّل دانستن زبان فارسی باید و بعد از آن دانستن لغات عربی...»^۳. محمد بن حاجی الیاس، نویسنده *تحفه الهادیه* (تألیف ۸۶۴ ق. / ۱۴۶۰ م.)، با عبارت «... چون صبیان متعلم پیش از تعلم لغات عربی رغبت می داشتند بگفتن زبان فارسی جهت تعلیم ایشان این کتاب را بر نسق علم تدوین ساخته...»^۴ اشاره نموده است. موقعیت زبان فارسی در آناتولی تنها محدود به میل و رغبت محصلان نیست. علاقه محیط‌های دینی و ادبی و اداری عثمانی به علم و ادب و فرهنگ، به ویژه رغبت و اهتمام اهل کمال و اهل ادب به استعمال لغات فارسی در مراسلات و مکاتبات و محاورات و مکالمات^۵ اهمیت زبان فارسی را برای ترکی‌زبانان همیشه زنده داشته است. خلاصه لغت و دستورنویسان، همه، گرایش و خواسته‌های زبان آموزان را در نظر گرفته آثارشان را با اصول و روش‌های موافق با نیاز آنان تدوین و ترتیب داده‌اند. درست است اگر بگوییم در آموزش زبان فارسی در دوره عثمانی بیشتر فرهنگ‌های منظوم بر دستورها ترجیح

داده شده است. بدین منظور در آغاز و پایان قطعه‌ها به منظور پند و اندرز و تشویق و ترغیب زبان آموزان عباراتی به صورت جمله نوشته شده است. در این عباراتِ مخصوص به فرهنگ‌نامه‌های منظوم، تاکید بر مفتاح بودن زبان برای هر نوع دانش و برتری زبان‌دانان نسبت به همسالان نیز شده است.

بعد از اشاره‌ای کوتاه به سیر فرهنگ و دستورنامه نویسی، به کتاب‌های راهنمایی برای مکالمه فارسی نوشته شده در آناتولی می‌رسیم. در مورد آموزش زبان فارسی در دوره عثمانی صرفاً به فرهنگ‌نامه‌ها و دستورها اکتفا نشده است. رساله‌های مکالمه‌ای یا محاوره‌ای نیز به منظور آموزش زبان فارسی به ترک‌زبانان تدوین شده است. تا امروز چهار کتاب که به صورت کتاب مکالمه فارسی نوشته در دوره عثمانی، در دست است. یکی از این چهار کتاب به سبک محاوره‌ای، شاید قدیمی‌ترین اینها، *تحفه العشاق* نام دارد.

تحفه العشاق

تحفه العشاق برای اولین بار توسط استاد ایرج افشار در مقاله‌ای به نام «تحفه العشاق» در مجله «نامه آشنا»^۵ نشر رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا با مقدمه مختصری به زبان ترکی معرفی شد و متن اصلی به صورت عکسی در پیوست مقاله مزبور چاپ شده است.^۶

بنا به اطلاعات استاد گرامی ایرج افشار، *تحفه العشاق* که مؤلفش نامعلوم است، به قرن دهم هجری تعلق دارد و کتابی است در مورد ساختار جمله در زبان فارسی. زیر هر سطر معادل ترکی جمله‌های فارسی جا می‌گیرد. نسخه‌ای به غیر از چاپ ایرج افشار تا حالا یافت نشده است. کاتب نسخه هنگام کتابتش خیلی دقت از خود نشان داده و برای تلفظ واژه‌های فارسی و ترکی اعراب‌گذاری کرده است.^۷ استاد ایرج افشار متن *تحفه العشاق* را با مقاله دیگر به عنوان *تحفه العشاق*، یک نسخه دست نویس ترکی در فرهنگ ایران زمین منتشر کرده است. *تحفه العشاق* در مقدمه کوتاه صاحب مقاله چنین معرفی شده است: «از *تحفه العشاق* نسخه دیگر نمی‌شناسیم. به مناسبت آن که منحصر به فرد و از حیث خط و ضبط

کلمات واجد دقت و تلفظ خاص کاتب و ضمناً ترجمه ترکی هر جمله هم زیر سطر مندرج است. به صورت عکسی در این صحایف چاپ می شود.^۸ آنا دردی عنصری نیز مقاله دیگری در مورد همین کتاب به عنوان «مروری بر یک نسخه خطی دو زبانه فارسی-ترکی از دوره صفویه» نوشته و در آن به بررسی مطالبی همچون منطقه جغرافیایی تألیف کتاب و ویژگی های زبان شناختی مفردات ترکی پرداخته و به نتیجه های زیر رسیده است: ۱- فضای حاکم بر روح *تحفه العشاق* مبتنی بر اعتقادات اهل تسنن است. ۲- قواعد نگارشی مفردات ترکی به میزان زیاد مبتنی بر اصول رایج مکتوبات ترکی دوره عثمانی است. ۳- برخی از واژه ها چون «تکیه»، «سماع» و «عقچه» در متن، رایج در سرزمین های عثمانی است. ۴- قواعد املائی مفردات ترکی در متن نیز دقیقاً مبتنی بر اصول رایج در املائی کلمات در دوره عثمانی می باشد.^۹ یافته های پژوهشگر ایرانی، آنا دردی عنصری، نشان می دهد که *تحفه العشاق* در قلمرو عثمانی تألیف یافته است. مخاطبان مورد نظر نویسنده با مخاطبان فرهنگ و دستورنویسان اولیه عثمانی متفاوت است. نویسنده میل و هوس نازک مزاجان به آموختن زبان فارسی را محور اثر خود قرار داده است تا عاشقان و شیفتگان زبان فارسی محروم نشوند. در مقدمه مختصر *تحفه العشاق*، نویسنده ناشناس بعد از عبارات حمد و ثنا و صلاه و سلام، در ادامه اما بعد مقصود خود را از تألیف کتاب به عبارات زیر توضیح داده است:

«... بعد از آن؛ چندان الفاظ مرکبات بر زبان فارسی یاد کردم. چنانکه مردم نازک مزاج بزبان فارسی آموختن هوس کنند، از این الفاظ یاد آورند و استعمال کنند. بغیر احتیاج او نماند و نام این رساله *تحفه العشاق* نهادم تا هر که بزبان فارسی عاشق شود محروم نباشد ان شاء الله تعالی...»^{۱۰} بی شک مؤلف ایرانی است، ولی در مقدمه، خاتمه یا در متن کتاب معلوماتی مربوط به خود نویسنده وجود ندارد و همچنین نشانه هایی که خبر از زمان و جای تألیف اثر بدهند، یافت نمی شود. با این وجود می توان گفت که نگارنده به آناتولی سفر کرده و اثر خود را بر اساس خواسته نازک مزاجان در یکی از شهرهای آناتولی به تحریر در آورده است. می توان گفت *تحفه العشاق* نیز مبنی بر اینکه قونیه و حوالی آن خاستگاه

نخستین فرهنگ‌ها و دستورهای دو زبانه فارسی و ترکی محسوب می‌گشت در این منطقه تألیف شده باشد. البته این پیش‌بینی فراتر از حدس و گمان نمی‌رود.

تحفه العشاق، پیشینه زبان آموزی دو زبانه را به روش و سبک نوین به عصر شانزدهم بر می‌گرداند. ما، به غیر از *تحفه العشاق*، از وجود سه کتاب در این زمینه آگاهی داریم که از این جمله‌اند: ۱- *مفتاح زبان فارسی* که توسط ابی مطالب ابن عمر در روزگار سلطنت سلطان سلیمان قانونی بین سال‌های ۱۵۲۰-۱۵۶۶ میلادی نوشته شده است. ۲- *رهنمای مکالمه فارسی* که به دست احمد حمدی نوشته شده و در سال ۱۸۸۴ میلادی به چاپ رسیده است ۳- *فارسیجه قونوشه‌لم* (فارسی حرف بزنیم) که نوشته ابراهیم واصف است و در سال ۱۹۰۶ میلادی انتشار یافته است. *مفتاح زبان فارسی* هم به منظور آموزش زبان فارسی به ترکان به صورت مکالمه و محاوره تدوین شده است ولی از لحاظ ساختار و ترتیب با *تحفه العشاق* خیلی فرق دارد. *مفتاح زبان فارسی* نسبت به *تحفه العشاق* به مراتب کتابی مقدماتی برای فارسی آموزان است. دو کتاب دیگر، *رهنمای مکالمه فارسی* و *فارسیجه قونوشه‌لم*، برای جبران نیاز شاگردان مدرسه‌های مختلف چون مکتب رشدیه و مکتب سلطانی تهیه شده‌اند. *تحفه العشاق* و *مفتاح زبان فارسی* حدوداً چهار صد سال پیش از دو کتاب آخر تألیف یافته بودند.

هرچند *تحفه العشاق* ظاهراً به صورت کتابی منشور به نظر می‌رسد، ولی در واقع شامل گفتگوهای متقابلی است و در حالت مکالمه نگاشته شده است. این اثر از لحاظ موضوع و ترتیب مطالب گفتگو، هرچه قدر قدیمی باشد، شباهت‌های زیادی به کتاب‌های مکالمه‌ای به روش جدید امروزی را دارد. گفتگوها بنا به موارد آن عنوان‌گذاری و به ابواب و فصول تقسیم‌بندی نشده است، ولی ممکن است این جمله‌ها زیر عناوینی چون کجا می‌روی؟ معرفی، خرید، مسافرت، دعوت، تفریح و گردش، در کلاس، نماز پیشین، نامه به دوست و جز این‌ها گردآوری شوند. مدرس یا خواجه نقش مجری را دارد. دانش‌آموز نیز به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. یوسف، محمود مغنی و عبدالله از قهرمانان *تحفه العشاق* هستند و گهگاهی وارد گفتگو می‌شوند. الان صرف نظر از متن کلی اثر، این گفتگوها را همراه با

ترجمه ترکی‌شان که در این کتاب آمده تحت عنوان‌های زیر با رعایت اعراب گزاری بررسی کنیم:

کجا می روی؟ (قنچه کیدرسن؟) (ص. ۴۷)^{۱۱}

- به خانه می روم. (اوه گِدرَم.)

در خانه چکار داری؟ (اَوْدَه نِشَلِرْسِن؟)

- کتاب می نویسم. (کتاب یِزرم)

بکتاب چکار داری؟ (کتاب نیلِرْسِن؟)

خرید (ص. ۴۸)

ده اقچه بگوشت بده (اُون اقچه اَنه وَر)

ده اقچه بروغن بده (اُون اقچه یَغَا وَر)

پنج اقچه به نان بده (بَش اقچه اَتَمَکَا وَر)

پنج اقچه بر برنج بده (بَش اقچه بِرینجه وَر)

سه اقچه میوهایی که در بازار باشد بخريد (اُوج اقچه بازارده بِلْدُغُوک صَاتُون آل)

تفریح و گردش (ص. ۴۸)

در کنار باغ صحبت می داریم. چرا دیر آمدی؟ یک دم بنشین. بعد از آن می رویم. یا

یوسف خوش آمدی. اینجا بنشین که از صحبت تو مُشرف شویم.

(باغ کنارنده صحبت ایده‌لم. نِچُون کِچ کِلْدُون؟ بِر دَم اُوتُور. اُوندن صُکَره کِڈَلَم. یا

یُوسُف خُوش کِلْدُن. بُوندن اُوتُور که سَنک صُحبتکدن مُشرف اولالم.)

در کلاس (ص. ۴۹)

درس خواندی؟ (درس اُوقُودکمی)

- نخواندم. (اُوقُومَاڈَم)

چرا نخواندی؟ (نِچُون اُوقُومَاڈَک؟)

- درس نخستین نمی دانم. (اُولکه دَرَسَم بِلَمَاژَم.)

خواندن می خواهی؟ (اُقُومَقِ اسْتَرْمِسِن؟)

- نخواهم خواندن، چرا که گرسنگی غالب است. از آن نخواهم. خواجه دستور داد بچاشت رفتن.

(اُقُومَقِ دِلْمَزَم. اَنَدَنَكِه اَجَلِقِ غَالِب اُولَدِي. اَنَدَن اَتُورِي دِلْمَزَم. خُواجه دَسْتُور وِرْدِي قُوشْلُغِه كِنْدُم.)

نماز پیشین (ص. ۴۹)

زود بیا، درس روان کن که نماز پیشین نزدیک است.

(تَز كَل دَرَسْكَ رَوَان اَيَلَه نَمَار يَقِينْدَر)

تذکرات (ص. ۵۰)

تو کسی را مرنجان. اگر از تو مردمان برنجند ترا نیز برنجانند.

(سَن كِمَسَه اِنَجْتَمَه. اَكْر سَنَدَن مُسْلِمَانَلَر اِنَجْنَه لَر سَنِي داخِي اِنَجْدُرَلَر.)

سخن نرم بگو، سخت مگو که بسر ما را الم می رسد. آهسته بگو. گوش ما کر نیست.

(سُوزِي يُمَشَق سِيلَه، قَتِي سِيلَمَه كه بَزُم بَاشْمَزَه اَلَم اِرْشُور.)

بنویس (ص. ۵۰-۵۱)

بنویس کتاب فارسی (فارسی کتاب یز).

- نمی دانم که نوشتن. اگر میدانم، بنویسم. بسیار نمی دانم. اندک می دانم. خواهم

نوشتن. بروم بیاموزم. چونکه بیاموزم بنویسم.

(بِلْمَزَم كه يَزَم. اَكْر بَلِيدُم يَزَرْدُم. چُوق بِلْمَزَم، اَز بِلُورَم. يَزَمَق دِلْرُم كه وَرَام اُوكِرْنَم.

چُونكه اُوكِرْتَم يَزَم.)

نامه به دوستان (ص. ۵۱)

یا یوسف! دوستان را نامه بنویس. از حال ایشان بپرس. از ما چندان سلام و درود

بفرست. جواب نامه از دوستان چه آمد؟ پرسیدی؟

(يَا يُوْسُف دُوسْتَلَرَه بَتِي يَاز. اَنَلَرُوك حَالَكِرَن صُور. بَزَدَن نِچَه سَلام وَ اَسْنَلِك وِر.

دُوسْتَلَرَدَن جَوَاب نامه نه كَلْدِي؟ صُورْدُكْمِي؟)

- آری، پرسیدم. جواب آن آمد که همه دوستان گفته‌اند که از همت شما صحت و سلامتیست.

(اَوْتِ صُورْدُمْ. جَوَابِ اَوَّلِ کَلْدِی دُکَلِ دُوسْتَلَرِ دِمِشَلَرِ کِه سِرْوُکِ هِمْتُکُزْدَه سَاغِ سَلَامَتُزْ.)
برنامه روز (ص. ۵۲)

چه کار داری؟ (نَه اِشْکُزْ وَاَر؟)

- هیچ کاری ندارم. (هِيچِ اِشْمُوزِ یُوقْدُرْ)
از تفرج صفا داری؟ صفا دارم، ولی یک دم مرا مصلحت هست بغایت مهم است.
(تَفْرِجْ دِنِ صَفَاکِ وَاَرِی؟)

رفتن به حمام (ص. ۵۴)

چنانکه یاران از ده می آیند، به حمام برویم و پشت ایشان را دلاکان بمالیدیم. بعد زان
که از حمام بیرون آییم، در کنار یک سبزه و آب روان صحبت کنیم.
(شِیْلَه کِه یَارَانَلَرِ گُویْدَن کَلَهَلَرِ حَمَامَه کِدْلُم اَنَلَرُوکِ اَرَقَلَرَن دَلَاکَلَرَه اُوغْدُورَهَلَم. بُونَدَن
صُکْرَه حَمَامَدَن طَشْرَه کَلَهَلَم. بَرِ یِشِلِسْتَان اَقَرِ صُو کَنَارِنْدَه صُحْبَتِ اَیْلَیَالُم.)
برنامه روزانه (ص. ۵۶)

چنانکه چندان بره بعضی کباب شود، بعضی بریان شود. جمله اسباب عیش مهیا شود.
چون باز آییم بحمام برویم. چون بیرون آییم بمسجد جامع برویم و نماز بگذاریم. چون از
مسجد بیرون آییم بزایوه برویم و سماع کنیم. همه در زایوه جمع شوند. بعد زان پراکنده
شویم. ما نیز آنجا برسیم. بیابا برویم بایشان عیش کنیم.
(شِیْلَه کِه نَجَه قُوزِ بَعْضِ کَبَابِ اُولَه. بَعْضِ بَرِیَانِ اُولَه. دُکَلِی اَسْبَابِ صُحْبَتِ حَاضِرِ اُولَه.
چُون کِرُو کَلُورِ حَمَامَه کِدْلُم. چُون طَشْرَه چَقُوزِ جُمَعَه مَسْجِدِنَه کِدَهَلُم دَاخِی نَمَازِ قَلَهَلُم
چُون مَسْجِدَدَن چَقُوزِ تَکِیَّه کِدَهَلُم. سِمَاعِ اِدَهَلُم. دُکَلِی تَکِیْدَه جَمْعِ اولورلر. بوندن صکره
طغلورلر. بز دخی انده یتشالم. یوقارو کدهلوم بر دم اَنلروکله عیش اَیْلَیَالُم.)
شمار (ص. ۵۸-۵۹)

شمار می دانی؟ (صَغِشِ بِلُورِسِن؟)

- نمی دانم، اما آموختن هوس دارم. شنیدم که دانستن شمار نیک است. هوس کردم تا بیامورزم.

(بَلَمَزَمَ. أَكْرَمَكِه هَوَسَ أَيْلَرَمَ. اِشْتَدَمَ كِه صَغِش بِلَمَكِ أَيْوَدُر. هَوَسَ أَيْلَدَمَ أَوَكْرَنَمَ.)
سفر به حجاز (ص. ۶۳)

و بهمت جمله محبان صفا دارم که سفر حجاز کنم. روی به خاک آن مبارک خانه بنهم. اگر شما صفا دارید بهم برویم.

(دَاخِی دُکَلِی دُوسْتَلَرِ هِمَتِیْلِه صَفَام وَار کِه حِجَاز سَفَرَنِ أَيْلَیَام. یُوزِی طُپَرَقِ أَوَزَرِهْ أَوَّلِ مُبَارَکِ أَوْدَهْ قُویَم. اِگَر سِرْکِ صَفَاکُوزِ أَوَّلِه بِلَه کِدَلَم.)
رفتن به بستان (ص. ۶۴)

یک پاره باغ ما را هست که میوه‌های غریب و سیبهای لطیف در آن بستان است. این زمان همه رسیده است. صفا داریم که در خدمت شما یکدم برویم و اطراف‌های آن باغ به حضرت شما بنماییم.

(بِرِ پَارَهْ بَنَمَ بَاغَم وَار کِه غَرِیْبِ یَمِشَلَرِ، لَطِیْفِ أَلْمَالَرِ اَنکِ اِچْنَدِه دُکَلِمِشْدُر بُو زَمَانِ دُکَلِیسی اَرِشْمِشْدُر صَفَام وَار کِه سِرْکِ خِدْمَتُکُوزَدَهْ بِرِ دَم وَرَايِمَ أَوَّلِ بَاغُکِ اطْرَافِنِ سِرْزَرِهْ کُستَرَم.)

به محمود مغنی گوش دهیم (ص. ۶۶)

چونکه محمود بیاید چه کار کنیم؟ (چونکه محمود کَرُو کَلَه نَه اِشْلَیَالَم؟)

- کنار باغ برویم. اطعمه گونه گونه بپزیم. چند یاران جمع کنیم. زیرا محمود خوب مغنی و خواننده است. صحبت‌های لطیف می دارد.

(بَاغِ کَنَارَنَهْ کِدَلَم. دُرْلُو دُرْلُو طِعَامَلَرِ بِشُورَهْ لَم. نِجَه یَارَانِ جَمْعِ اَدَهْ لَم، زِیرَا مَحْمُودِ خُوبِ اِدَلِیجْدُر، دَخِی أَوْقِیوجْدُر لَطِیْفِ صُحْبَتَلَرِ بُلُور.)

یا عبدالله بزود برو به محمود زمین بوس و دست بوس ما بَرَسَان.

(یا عِبْدَالله تَزِ یُورُ مَحْمُودَه بَزِ طَرَفَدَنِ یَرِ أَوْبِ وَ اَلِنِ أَوْب.)

کتاب را از خود دور مکن (کَنْدُو کِتَابُکَدَنِ اِرَاقِ أَوَلَمَه.) (ص. ۶۸)

کتاب و قلم و کاغذ را عزیز دار تا بچیزی بررسی جهد کن.

(کتاب داخی قلم داخی کاغدی عزیز دوت. جهد ایلکه تا نسنیه یتشاسین.)

خرید (ص. ۶۹)

کندم چند اقچه می فروشی؟ یک پیمان را چند اقچه می دهم؟ اگر می فروشی، می

خرم.

(بغدای قچ آقچیه صترسین؟ بر کله سینه قچ آقچه ورین؟)

نتیجه گیری

تحفه العشاق هرچند تاریخ تالیفش دقیقاً معلوم نیست، ولی احتمالاً به قرن شانزدهم میلادی تعلق دارد. دیدگاه و نگرش مؤلف به روش تعلیم زبان نسبت به روزگارش و سده‌های بعدی خیلی جالب توجه است. روشی که نویسنده در تحفه العشاق به کار گرفته، شباهت نزدیک با اصول و روش‌های زبان آموزی اعمال شده توسط معلمان زبان در اواسط قرن نوزدهم به بعد دارد. البته این روش باید نشانگر حاصل دور اندیشی و نوگرایی نویسنده محسوب شود.

13

کتاب‌نامه

افشار، ایرج، تحفه العشاق، نامه آشنا، سال ۸، شماره ۲۳-۲۴، ص. ۴۵.

اوز، یوسف، فرهنگ‌های فارسی-ترکی در طول تاریخ، انتشارات سازمان زبان ترک، آنکارا، ۲۰۱۰.

-----، فرهنگ‌های فارسی-ترکی، ایران شناسی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰ ش. (۲۰۰۱ م.)، ص. ۴۰۳-۴۱۳.

سیواسی، عبدالحمید، شاهنامه، دست‌خطی، کتابخانه سازمان زبان ترکی، شماره ۵۳۵/۲. عنصری، آنا دردی، مروری بر یک نسخه خطی دو زبانه فارسی-ترکی از دوره صفویه، گزارش میراث، دوره دوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، مرداد-آبان ماه ۱۳۹۱ ش.، ص. ۳۵-۳۸.

لادقی، مطهر بن ابی طالب، *مفتاح الادب*، دست خطی، کتابخانه سلیمانیه، بخش شازده‌لی، شماره ۱۴۷/۳.

محمد بن حاجی الیاس، *تحفه الهادیه*، دست خطی، کتابخانه ملی آنکارا، شماره Yz A 3263.

^۱ یوسف اوز، فرهنگ‌های فارسی - ترکی در طول تاریخ، ص. ۸۱.

^۲ برای اطلاعات بیشتر در باره فرهنگ‌های فارسی ترکی نگاه کنید به یوسف اوز، فرهنگ‌های فارسی ترکی در طول تاریخ، انتشارات سازمان زبان ترک، آنکارا ۲۰۱۰؛ همان مؤلف، فرهنگ‌های فارسی-ترکی، *ایران شناسی*، ص. ۴۰۳-۴۱۳.

^۳ مطهر بن ابی طالب لادقی، *مفتاح الادب*، ورق ا-ب ۱۶۷.

^۴ محمد بن حاجی الیاس، *تحفه الهادیه*، ورق ب ۴۱-۴۲.

^۵ عبدالحمید سیواسی، *شاهنامه*، ورق ب ۲۸-۲۹.

^۶ برای متن کامل *تحفه العشاق* نگاه کنید به ایرج افشار، *تحفه العشاق، نامه آشنا*، سال ۸، شماره 14

۲۳-۲۴، زمستان-بهار ۲۰۰۶، ص. ۴۶-۷۰.

^۷ ایرج افشار، *تحفه العشاق*، ص. ۴۵.

^۸ نقل از آنا دردی عنصری، *مروری بر یک نسخه خطی دو زبانه فارسی - ترکی از دوره صفویه*، ص. ۳۵.

^۹ نقل از آنا دردی عنصری، *مروری بر یک نسخه خطی دو زبانه فارسی - ترکی از دوره صفویه*، ص. ۳۵-۳۶.

^{۱۰} ایرج افشار، *تحفه العشاق*، ص. ۴۶-۴۷.

^{۱۱} با ارقام داخل پرانتز، به صفحه متن عکسی *تحفه العشاق* چاپ شده توسط استاد گرامی ایرج افشار در *نامه آشنا* اشاره شده است.